

نوشته : پرفسور کانتول
اسمیت

ترجمه : دکتر عزتی
استاد دانشگاه



ایمان ملل

یا

بررسی مختصر
ادیان بزرگ معاصر

فصل ۳

در این سلسله مقالات، برای بررسی هر جامعه دینی تنها يك سمبل را که نشان دهنده ماهیت آن دین باشد انتخاب میکنیم باین امید که از این راه به حقیقت زندگی دینی کسانیکه از آن دین پیروی میکنند راه یابیم .

از جامعه بودائی من يك مراسم دینی را انتخاب کرده‌ام و آنطور که در يك دهکده در برمه صورت میگيرد بررسی میشود و کوشش خواهیم نمود که پرده از قسمتی از معانی و مفاهیمی که این مراسم برای پیروان بودا دارد برداریم.

برمه يك کشور بودائی است و هر دهکده يك صومعه، معبد و یا زیارتگاه (ودرواقع مشکل است برای آن اسمی تعیین نمود) وجود دارد. بهر صورت مرکز فعالیت‌های دین بودا در میان درختان پرسایه مانگو (انبه) در نزارها با مشخصات معماری مخصوص هفت طبقه ساخته میشود .

یعنی مرکز معمولا خارج از دهکده (ساختمانها) قرار دارد نه خیلی دور از دهکده و نه خیلی نزدیک به آن است. باندازه‌ایکه از سروصدای دهکده در امان و خارج از محیط زندگی روز مره و مادی باشد و تقدس خود را حفظ کند از دهکده دور است ولی در عین حال باندازه‌ایکه ارتباط خود را با جامعه و اجتماع و مشکلات مردم حفظ کند به دهکده نزدیک است و رفت و آمد بین دهکده و صومعه طبیعی و آسان ولی محسوس است و در این مرکز بین آنچه بایستی باشد و آنچه هست، بین دوام و فوریت، بین معنی و ماده رابطه نزدیک

وجود دارد ولی در عین حال این دوازده یکدیگر جدا هستند و غنیت ندارند.
نه دو جهان کاملاً مجزا، بلکه دو جنبه مختلف زندگی بشر، صومعه دهکده مدرسه
(میزان و سطح سواد در بین زن و مرد در برمه در هزار سال گذشته بالا بوده است.)
داروخانه، مرکز فعالیت اجتماعی، خانه بزرگسالان، محل مشاوره و مرکز فعالیتهای تربیتی
و روحانی دهکده محسوب میشود.

در خود صومعه و یا در نزدیکی آن مجسمه بودا که نشان دهنده و باعث تقویت نوع
و روح خدمت و فعالیت رهبران دینی بوداست قرار دارد.

مراسم دینی که ما در اینجا بررسی خواهیم نمود به عنوان مراسم بلوغ و به حد
تکلیف شرعی رسیدن پسران شناخته میشود. (البته یکنوع مراسم مخصوص نیز برای دختران
وجود دارد ولی ما در اینجا تنها مراسم مخصوص پسران را مورد توجه قرار میدهیم) و به
نام شین بایو شهرت دارد.

این مراسم شباهت زیادی به مراسم الحاق به کلیسا یا مراسم اولین نان و شراب و
یا اعتراف به نظام دینی مسیحیت، و به مراسم بارمیزواب یهودیت و مراسم مشابه ادیان
دیگر دارد. ولی مادر اینجا خصوصیات دستورات دینی بودا را در این مراسم بررسی میکنیم.
این مراسم در واقع یکنوع تجسمی از جریان زندگی گواتمای بودا است. بیشتر
شما با سرگذشت بودا آشنا هستید. میدانید که سیدهارتا گواتما، کسه بعداً ملهم و مؤید شد
(بودا) یک شاهزاده بود که در کاخ سلطنتی متولد و با تشریفات بارآمد.

در امنیت و آرامش و با محبت ابویں خود با مراقبت خدم و خشم فراوان بزرگ
شده پدرش که پیشگویی کرده بود که ممکنست پسرش جهان را نادیده گرفته و یک تارک دنیا
و یک رهبر دینی و مرد مقدس شود برای جلوگیری از این پیش آمد از تماس فرزند خود
با اطلاع از بدبختی و بیچارگی و درد و رنج جلوگیری کرد و دستور داد که فرزند وی تنها
بایستی با خوشی و لذت آشنا باشد.

گواتما بزرگ شد و به رشد رسید و در موقع مناسب با یک شاهزاده زیبا ازدواج
کرد و در مدت کوتاهی نیز دارای فرزند پسر شد.

همه چیز بروفق مراد پیش میرفت و گواتما هر چه را که ممکن بود یک نفر رزوه
هوس کند در اختیار داشت.

ولی ناگهان در موقعیکه شاهزاده در کالسه سلطنتی خود از یک گردشگاه میگذشت
ابتدا به یک مرد فقیر پیر از کار افتاده و سپس با یک مرد بیمار و در آخر با یک جنازه برخورد
کرد. وقتی از کالسه چپ در مورد این مسائل پرسش کرد کالسه چپ در مورد پیری، بیماری
و مرگ توضیحاتی را بعرض رساند و اضافه کرد که تمام افراد بشر دچار چنین گرفتاریها
میشوند. این جریان روح گواتما را در ناراحتی قرار داد و با ناراحتی و سربگریبانی در
حالی که در اینگونه مسائل تعمق و تفکر میکرد به منزل برگشت. گرفتاریهای بشر که اینک
وی یکی از افراد آن بود فکروی را مشغول داشت تا اینکه سرانجام یک شب (این قسمت
داستان با شور و هنر فراوان در داستان سرائی و در نقاشی در سرتاسر دنیای بودایی نشان

داده میشود) از جای برخاستن گاهی به همسر و فرزند خود که در خواب بودند کرد و بیرون رفت، به دنیای خارج در دنبال پاسخ برای ناراحتیهای بشر رفت.

این خروج و یا این پشت پا زدن بزرگ طبق بعضی متون و تعمیرات حقیقت است که در ماورای مراسم خروج که در معبد بودائی دهکده برمه‌ای صورت میگیرد قرار دارد. این مراسم بیادآورنده تجسمی است از خروج سیدهارتا گوانما از کاخ و خانه وزن و زندگی ثروت و آسایش و از پشت پا زدن به لذات مادی و کوشش وی برای پیدا کردن راهی برای آسایش روحی و معنوی، بقیه داستان نیز در حد خود مربوط و عمیق است. وی نه تنها در جستجو بیرون رفت بلکه به آنچه در جستجوی آن بود رسید و برای احتیاج بشر جوابی یافت و خود در نظر بودائیان ناجی جهان گردید.

در صومعه دهکده برمه‌ای این مراسم با روح و محبوبیت اجراء میشود. پسر تازه بالغ رل قهرمان اول را بازی میکند. روز مراسم برای دهکده روز بسیار حساس و جالبی است. دهکده در این روز چراغانی شده و غرق در سرور و شادی است.

پسر تازه بالغ لباسهای زیبا برتن میکند و دوستان و بستگان وی مراسم بلوغ وی را جشن می‌گیرند و در یک قسمت مخصوص مراسم پسر با خانواده و دوستان خود خدا حافظی کرده و لباسهای زیبایی خود را با قبای زعفرانی رنگ مخصوص روحانیون بودائی عوض کرده و از صحنه مراسم بیرون رفته و داخل در جرگه روحانیون بودائی در معبد میشود و در صومعه برای مدتی باقی میماند بعضی پسران تنها چند هفته‌ای در صومعه بسر می‌برند، بعضی دیگر چند سالی را در صومعه مانند یک مدرسه شبانه روزی و بمنوان کارآموز دین بودا می‌گذرانند در حالیکه تعداد کمی هم ممکنست بقیه عمر خود را در صومعه بمانند و در جرگه روحانیون درآیند. اینست مراسم:

ما این مراسم را سمبل و نشان دهنده میدانیم زیرا این مراسم دینی است. دارای معنی عمیق و اهمیتی است که نشان دهنده اصول و حقیقتی است، که در ماوراء تشریفات قرار دارد و یکنوع حقیقت عالی غیر محدود را مجسم میکند.

یک امر مطلق، مجرد و معنوی را در قالب یک امر محدود، و ظاهری و مراسم و تشریفات که جامعه بودائی برای سالها بارت برده و آن را محترم می‌شمارد برای نشان دادن ایمان خود بکار می‌برد. با این ترتیب آیا ما می‌توانیم چیزی از این ایمان بیاموزیم و به محتوی این مراسم پی ببریم. و به آنچه این تشریفات سمبل آن است راه یابیم؟

این هدف و وظیفه علم دین تطبیقی و با علم تطبیق ادیان است. در دین تطبیقی نه تنها سازمان، معتقدات، و عبادات یک دین بررسی میگردد بلکه بایستی در دین تطبیقی معنی این عبادات برای کسانی که آنها را انجام میدهند و به آنها اعتقاد دارند بررسی می‌شود. حقیقت و ارزش هر دین تنها در سمبلهای آن نیست بلکه در واقع در مفاهیم و معانی است که این سمبلها حکایت از آن دارند.

در اینجا دو نکته قابل توجه بنظر میرسد. نکته اول آنکه ما نمیتوانیم بطور کامل این معنی و مفاهیم را درک کنیم، نه تنها کسانی که از خارج بیک سیستم دینی مینگردند قادر نیستند

بطور کامل ارزش و معنی آن سیستم دینی را برای پیروان آن درک بلکه همانطور که در فصل گذشته اشاره شد خود پیروان دین مورد نظر نیز در بسیاری موارد از درک کامل آن محرومند اینمطلب کاملاً طبیعی است زیرا سمبلهای دینی نماینده و نشان دهنده يك امر بینهایت مطلق و مجرد و یا حداقل بزرگتر و بالاتر از حد تصور بشر میباشدند. ارزش فهم نظامهای دینی در آنستکه این ادیان بشر را در برابر چیزیکه بزرگتر و عالیتر از خود بشر و آن نظام دینی است قرار میدهند.

نکته دوم قابل توجه آنستکه این تشریفات و مراسم و درحقیقت هرسمبل دیگر دین بودا و بلکه هرسمبل دینی در هر دین و مذهب دارای معانی مختلف در سطوح مختلف برای افراد مختلف میباشدند. و در مورد این مراسم برای پسران مختلف میباشدند. سمبلها و نظامهای دینی حکایت از حقایقی دارند که بمراتب بیشتر از آنست که کسی بتواند کاملاً آنها را درک کند. این معانی و مفاهیم برحسب اختلاف افراد در تجربه دینی، قابلیت درک آنان، حساسیت، قدرت تصور، علاقه و تخیل آنان متفاوت است، البته میتوان این معانی و مفاهیم را در قالبهای کلی درآورد ولی باید توجه داشت که این کاریست که ما انجام میدهیم. مراسم شین بو یا در برمه در صورتی با مراسم دینی دیگری در دنیا متفاوت بود که برای افراد مختلف معانی مختلفی نداشت.

(اگر اختلاف در معنی نداشته باشد غیرعادی است و شبیه ادیان دیگر نیست،)
با این ترتیب تمام توجهات و تفسیراتی که از آن میشود پیشنهادی است نه استنتاجی .
با توجه باین دونکته اینک میتوانیم به کار خود ادامه دهیم و این مراسم را تفسیر و توجیه نماییم و این کار خیلی مشکل نخواهد بود. برای هر کسی که خود متدین بدینی باشد، هر چند دینی متفاوت، درک قسمتی از آنچه در این مراسم صورت میگیرد کاریست آسان. با حداقل قوه تخیل و تصور ما میتوانیم اصولی را که حکایت از درک ارزش انسان میکنند استخراج و استنتاج نماییم .

از نقطه نظر ابوین، مثلاً، مانند هر دستور و وظیفه دینی مشابه دیگر، ابوین با کمال علاقه در این مراسم دراماتیک عمیق شرکت مینمایند و بدینوسیله تمایل خود را به واگذاری و ترک فرزند خود از مسئولیت ابوینی به شخصی خویش و در مسئولیت خود و در اختیار جامعه قراردادن وی بیان میدارند. ابوین در واقع در مراسم انتقال و تحول شخصیت فرزند خود از يك کودکي که به ابوین بودائی تعلق داشته، که در حد خود دارای معنی و مفهوم و اهمیت خاص است، به یک نفر بودائی مستقل شرکت مینمایند و ویرا در این راه کمک میکنند.

این مراسم در عین حال نشان میدهد که فرزندان نه تنها از تحت تکفل و مسئولیت آنان بیرون رفته تا وارد يك مرحله جدید و مسئولیت مشخصی شود بلکه این کار را بخاطر وظیفه ای انجام میدهد که متعلق به آنان نیز میباشد .

فرزند و نوجوان خود را با بودا، عقل دائم، همانطور نزدیک میکند که ابوین

وی مدتها پیش چنین کرده بودند. البته جریان کاملاً متفاوت بود اگر ابوین میدیدند که فرزندشان تنها از تحت راهنمایی و توجه آنان بیرون رفته و بدون راهنما در اختیار خود قرار گرفته است. برعکس ابوین می‌دانند و می‌بینند که فرزندشان شخصا مستقل شده است ولی درعین حال در راهی پا میگذارد که هر چند از کنترل ابوین بیرون است ولی در تحت راهنمایی و ارشاد عقل عالی قرار می‌گیرد همانطور که خود چنین کرده بودند.

البته هر مراسم دینی در قالب آنچه که معتقدین بدان برای آن ارزش قائلند، بسان احترام میگذارند و بیاد گرفتن و انجام آن علاقه نشان میدهند قرامی گیرد.

این خود واقعا دقیقه حساسی است که ابوین مشاهده کنند فرزندشان تمام رشته‌های ارتباط مستقیم خود را با ابوین خود قطع کرده و درعین حال بطرفی روی می‌آورد که خود آنان معتقدند بهترین راه است. ابوین ممکنست واقعا آرزو کنند که فرزندشان حقایقی را کشف کند و ارزشهایی را درک کند که خود آنان از کشف و درک آن محروم مانده‌اند ولی علم باینکه چنین ارزش، عقل، آسایش، لذت و حقیقت در حد اعلی خود وجود دارد و در انتظار فرزندشان بطرف آن و برای کسب آن کوشش می‌کند موجب خرسندی آنان میشود.

اما از نقطه نظر خود نوجوان، من نمیخواهم بررسی کنم که چه در فکر و خاطر آگاه و ناآگاه وی میگذرد.

میزان تأثیر نوجوان در خانه و از مراسم مشابه قبلی و سرگذشت بودا، میزان حساسیت و تأثرویی از روحانیون و محیط صومعه، و قدرت تطبیق زندگی، تعالیم مقدول در صومعه در افراد متفاوت است. قضاوت در حدود تأثیر مراسم، و میزان جدی تلقی کردن دقیقه‌ای را که در سلک وزی روحانیت درمیآید و لباسهای گران قیمت مخصوص مراسم را بکنار می‌گذارد در اول لباس صومعه را برتن میکند، میزان تأثرویی از آنچه می‌گذرد و صورت می‌گیرد و با ابوین خود خدا حافظی میکند و بطرف صومعه روی می‌آورد، را بعهد شما میگذارم. تطور و تحول وی پس از این مراسم در طول سالها نشان میدهد که آیا وی کاملاً تحت تأثیر قرار گرفته و یا اینکه این تأثیر در حد اقل صورت گرفته و یا اینکه همه چیز اصلاً فراموش شده است. و یا اینکه برعکس در طول زندگی کم کم حقایق مربوط به مراسم را کشف و قدم به قدم به عمق بیشتر آن پی برده و با معانی مربوط این مراسم بیشتر آشنا میشود.

اگر مثلاً يك دكتر شود، در این زمان، و بیک شهر بزرگ برای تحصیل و شاید هم بخارج رفته باشد و یا اینکه مددکار اجتماعی گردد و یا مشاغل دیگر انتخاب کند، در این صورت چه کسی قادر است میزان تأثیر مراسم را در تحريك وی برای انتخاب شغل و پاکی و علاقه و وفاداری که درشغلش لازم است بر آورد کند. بهر حال بدون اینکه ما خود بودائی باشیم میتوانیم از این مراسم دو استنتاج مهم بنمائیم .

نکته اول موجب طرح این سؤال میشود که مقصود از راستی و یا غیر راستی يك مراسم دینی و مذهبی چیست؟ مراسم شین بویا بخودی خود تنها يك مراسم دینی است و بخودی خود احتمال صدق و کذب در آن راه ندارد بلکه نشان دهنده و نماینده يك واقعیتی است که احتمال صدق و کذب در آن را دارد. البته این سؤال نیز مطرح میشود که این مراسم تا چه

و این مسئله نیز بنوبه خود متکی و منوط به شخصیت کسانیست که در این مراسم شرکت مینمایند. باین معنی که این افراد تا چه حد جدی، صمیمی کامل و با ایمان در این مراسم شرکت می نمایند .

من همیشه معتقد بوده‌ام که انسان نباید در مورد صدق و کذب يك دين و مراسم آن چیزی بگوید بلکه این احتمال صدق و کذب در مورد تطبیق دادن و زندگی کردن شرکت کنندگان در مراسم و پیروان دين با آن مراسم و دين است. این صحیح نیست که مثلا انسان بگوید مسیحیت صادق است و با کاذب بدون آنکه توجه شود که مثلا مسیحیت یکفرد ممکنست دروغتراز همسایه وی باشد و یا اینکه که مسیحیت فلان شخص امروز صادقتر است از مسیحیت وی در گذشته. چنین مطلبی بمراتب دارای اهمیتی است بیشتر از آنچه یکفرد ممکنست تصور کند. این نکته در مورد مراسم شین بویا نیز صدق میکند.

با وجود این پس از سؤال فوق سؤال دوم ما مطرح میگردد و آن عبارتست از اینکه: آنچه این مراسم نشان میدهند و نمایندگی آن را دارند اساسا راست است یا نیست؟ خود «خروج» و یا بیرون آمدن بعنوان يك پدیده در زندگی سیدهاد تا گواتما؟

اگر در این مورد نیز سؤال مربوط با احتمال صدق و کذب مطرح گردد باید توجه شود که این سؤال نیز میتواند در مراحل و سطوح مختلف مطرح شود: در سطح نشر و تاریخ تحقیقات جدید در این مورد طبق معمول مشکوک و غیر قاطع میباشد.

با احتمال قوی فردی باین نام در حدود قرن هشتم قبل از میلاد وجود داشته است و محتملا شاهزاده يك زمین زیبا بوده است. خیلی بعید بنظر نمیرسد که طبق معمول آن زمان هند این شاهزاده در جستجوی عقل معنوی ترك خانه و کاشانه نموده جزئیات مربوط باین فرد باندازه ای با افسانه آمیخته شده است که تجزیه حقیقت از افسانه برای نقادان غیر ممکن بنظر میرسد.

جزئیات زندگی فردی که تأثیری و تعلیماتش بر پیروانش کاملاً وسیع و قطعی است مشکوک و غیر قطعی است. جزئیات مربوط به مراسم شین بویا از نظر واقعیت و ارزش تاریخی مانند جزئیات مربوط به مراسم کریسمس است.

در هر دو مورد آنچه جلب توجه میکند جنبه الهامی و شاعرانه آنها است نه جنبه واقعیت تاریخی آنها. موضوع چوبان و ستارگان امروزه میتواند از نظر معنوی هم صادق جلوه داده شود وهم کاذب بدون آنکه حقیقت تاریخی آنها در تاریخ وقوع بررسی گردد. همینطور است بودا .

بنابر این من پیشنهاد میکنم که در داستان، «خروج» در حقیقت راستی وجود دارد: يك راستی روانی که دارای ارزش جهانی است و لازم نیست که انسان خود بودایی باشد تا این مطلب را درک کند .

تحول و انتقال بودا از زندگی راحت و پراز تجمل و امنیت شاهزادگی به زندگی بالفانه پر از حقایق تلخ خود يك حقیقت و واقعیت روانی است برای تمام افراد بشر. (نه تنها برای کسانی که در کاخها متولد شده اند) . در يك مرحله مخصوص از زندگی تمام

ما متوجه کبرسن و کهولت ، فقر ، بیماری و مرگ می شویم . این مرحله برای بعضی زود تر از دیگران و برای بعضی شدیدتر و یکمترتبه است . ولی بهر صورت همه ما درزندگی در يك مرحله وقت معینی این حقیقت را احساس می کنیم که ما و دوستان ما همه موضوع دستخوش این پیش آمدهای ناگوار هستیم تمام اولیاء و ابویں در ابتدا کوشش می کنند که فرزندان خود را از این ناراحتیها برکنار دارند ولی فرزندان در ابتدا در پناه حامی خود می باشند و عدم قدرت ذاتی کودک بر درك و اطلاع از آینده ، بیماری و مرگ همواره با او همراه بوده است ولی بعداً ابویں کوشش می کنند که تا حد امکان آسایش و شادی آنها را تأمین کنند ولی مسلماً فرزندان خود را کم و بیش در برابر دنیای خشن و سخت محافظت می کنند . خود ابویں در زمان کودکی از حمایت ابویں خود بر خوردار بودند ولی از دوران کودکی پای بیرون نهادند و به دنیای حقایق و بلوغ وارد شدند .

با این ترتیب مشاهده می شود که در مراسم «خروج» (شین بویا) در دین بودا يك نوع حقیقت و راستی روانی بشر وجود دارد . حقیقت و راستی که ساکنین روستاهای برمه ای در صدد احیاء و تجدید آن هستند .

نکته دومی که بایستی در اینجا بررسی بشود دارای عمق بیشتری است . این نکته عبارتست از اینکه در این مراسم از نظر اخلاقی و معنوی نیز يك نوع حقیقت و راستی وجود دارد و از این نظر نیز برای بشر دارای ارزش است . پشت بازدن و روگرداندن از ارزشهای مادی و بخلاطر ارزشهای عقلانی و معنوی در زندگی دینی برای همه قابل توجه و احترام است . ما در صورتی می توانیم در جستجوی ارزشهای عقلانی و اهداف معنوی باشیم که بتوانیم از منافع آنی و ظاهری مادی با قاطعیت بیشتر صرف نظر کنیم . و هر چه زودتر يك نوجوان بتواند با شدت و قاطعیت بیشتر این کار را انجام دهد بهتر است .

البته در اینجا نیز سمبل و مراسم دینی در نشان دادن تضاد مبالغه نموده است: من شخصاً اعتراف می کنم که بهائی را که گوتما پرداخت ، مانند ترك خانه و فامیل ، نداشتن به اهداف اخلاقی و معنوی كمك نکرد بلکه موجب انتقاداتی نیز می باشد ، ولی بایستی توجه شود که عیسی مسیح نیز برای بیان هدف و منظور خود راه مشابهی را پیمود . « کسی نمی تواند از حواریون من باشد مگر آنکه ترك پدر ، مادر ، همسر ، فرزندان ، برادران و خواهران کند » یافتن حقیقت و راستی تنها در صورت تصمیم توأم با علاقه در راه صرف نظر و چشم پوشی از هر چه غیر از حقیقت امکان پذیر است .

در آخر بایستی توجه شود که مراسم شین بویا تنها يك رفتار فردی و یا مراسم اجتماعی نیست بلکه دارای ارزش دینی بوده و دستور مذهبی است . دل نوجوان در این مراسم دینی (فرزند هر فرد) نشان می دهد که هر کسی می تواند مستقیماً و بلاواسطه در درام زندگی شرکت کند و سهم باشد . از یکطرف در مشکلات ، شکستها نابودیهای آن شريك است و از طرف دیگر در حقیقت و کیفیت که بشر را از ماده بالایی بود و برتری می دهد شرکت کند و این حقیقت و کیفیت اخلاق و معنوی است و باین ترتیب بشر در زندگی خود پنجره ای به ابدیت و راهی به بقا دارد . این نکته نسبت به تمام افراد صدق می کند و بایستی در نسلها و اشخاص ادامه یابد .

همچنین این نکته در مورد جوامع نیز صدق می‌کند بطوریکه تمام جامعه با شرکت افراد خود در آن در این حقیقت و کیفیت شرکت دارد و بایستی آن را تکرار کرده و ادامه دهد .

در هر حال تنها افراد ، گروهها این مراسم را بوجود نمی‌آورند . آنان این مراسم را می‌پذیرند و تکرار می‌کنند ولی آن را خلق نمی‌کنند . آنان در این مراسم شرکت میکنند ولی این مراسم در واقع تکرار چیزیست که بر بودا گذشته بوده است . با پیروی از بودا و شرکت در مراسم در واقع نشان میدهند که نتایج اخلاقی و معنوی ناشی از مراسم نتیجه اراده و عقیده آنان بوده و در نتیجه رسم و سنت اجتماعی نیست بلکه این نتیجه هدیه کسی است که بعقیده آنها نه تنها مانند آنان در این راه قدم گذاشت بلکه بهدو و نتیجه نیز واصل شد . در اینجا نکته عمیقی وجود دارد که من مطمئن نیستم که بتوانم آنرا کاملاً بیان و روشن کنم . در اینجا ایمان بودائی مطرح است و درست و آداب و رسوم غربی چیزی وجود ندارد که بتواند ما را در درک ارزش و حتی در پی بردن با اهمیت عقیده و ایمانی که ما در آن شرکت نداریم کمک کند . ولی در عین حال ما بایستی از کوشش مضایقه نکنیم . من شخصاً یک ارزش عمیق در این مطلب که بودائی کوشش دارد خود را پیرو کسی که بعقیده وی نه تنها در جستجوی حقیقت بیرون رفت بلکه به حقیقت هم واصل شد بدانند نشان دهد می‌بینیم و با این ترتیب ارزش مسئله «خروج» نه تنها بر اساس کوشش در راه کشف حقیقت استوار است بلکه بر اساس اطمینان از این مطلب است که انسان در واقع به حقیقت نیز واصل خواهد شد .

گاهی افراد غیر مؤمن و با افراد بدون ایمان قوی از مسائل و مراسم دینی بمنوان وسیله جستجوی حقیقت صحبت می‌کنند . این مطلب در مورد سنن مربوط به ادیان مسیحیت ، یهودیت و اسلام که بر اساس مفهوم الهام استوار می‌باشند صدق نمی‌کند و حتی در مورد این مراسم بودائی نیز صدق نمی‌کند زیرا هر چند بودائیان از الهام و حتی خدا صحبت نمی‌کنند ولی سنت خود را همیشه از راه تکرار زنده نگاه می‌دارند زیرا اینک پس از گذشت ۲۵ قرن این عقیده و ایمان کاملاً زنده است که هدف و خواسته آنان نه تنها یک هدف و خواسته است بلکه هدف و خواسته‌ایست که بر اساس ایمان و عقیده بودا استوار است .

من نمی‌دانم آیا شما هم متوجه اهمیت این نکته شده‌اید که در این مراسم کسی که راه را نشان داده است خود راه را پیموده است و با این ترتیب راهنمایی وی تنها مبتنی بر اساس حدس نیست بلکه خود کشف است ، کور کورانه راهی را پیمودن نیست بلکه مبتنی بر علم و قاطعیت است . این نکته حقیقی است که صرف نظر از بودائی بودن یا نبودن دارای واقعیت است . قدرت درک این واقعیت و قدرت فهم ارزش و اهمیت آن بمعنی پذیرفتن دین بودا نیست . حتی ممکنست گفته و تصور شود که حقیقت و واقعیتی که در این جنبه مراسم وجود دارد مبتنی بر موقعیت واقعی بودا نیست بلکه مربوط به ایمان و عقیده پیروان وی بر موقعیت وی است عقیده ایمان آنان امروزه نسبت بلکه مربوط به ایمان و عقیده پیروان وی بر موقعیت وی است عقیده و ایمان آنان امروز نسبت به آنچه موجب نجات و رستگاری می‌شود مهم و سازنده است .

لازم نیست که ما با پیروان بودا در مورد جنبه‌های ماوراء الطبیعی و رل معنوی که وی داشت موافقت داشته باشیم ولی در عین حال مامکن است این رل و جنبه‌ها را در زندگی